تشکیکی بودن ادراک «من» در برهان طلق ابن سینا

شاگرد: هوای طلق را کودک در بدو تولد دارد؟

استاد: من که یادم نیست. شما باید بفرمایید!

شاگرد: اشاره فرمودید برای هر دوره‌ای نیست و در بدو تولد آن را ندارد.

استاد: اینها بحث‌های خیلی مهمی است. گمان من این است که حتی وقتی روح در چهار ماهگی به جنین تعلق می‌گیرد، از روح چیزی کم نمی‌شود و روح، تجافی پیدا نمی‌کند، بلکه خودش در حجاب قرار می‌گیرد. و لذا تفاوت امثال بنده با اوصیاء و اولیاء علیهم‌السلام این است که وقتی روح مقدس‌شان به جنین تعلق می‌گیرد، در حجاب قرار نمی‌گیرند و می‌دانند از کجا به کجا آمده‌اند. لذا اگر با مادر حرف بزنند و «انا شهید» بگویند، چیز اعجاب‌آوری نیست و مشکلی ایجاد نشده؛ چون در حجاب قرار نگرفته‌اند. البته جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن، باید با این حرفی که زدم توفیق داده شود و الا تلقی خیلی ناجوری از این حرف هست که با خیلی از چیزها جور در نمی‌آید؛ غیر از اینکه با روایات و ادله سمعیه جور در نمی‌آید، با خیلی از مطالب فلسفی هم جور در نمی‌آید. پس بچه خیلی چیزها را دارد، ولی مزاج بچه، تاب اینکه آنها را جلوه بدهد، ندارد. مثل اینکه روح یک مجنون، روح است، اما فعلاً مشکلی در مزاج او است که نمی‌تواند جلوه دهد. حضرت در آن تعبیری به آن

یهودی چه گفتند؟ «من صفا مزاجه قوی اثر النفس فیه»[1]؛ این بدن هر چه آماده‌تر باشد، نفس بیشتر می‌تواند خودش را در آنجا نشان بدهد و این مزاج، زلال‌تر است. بنابراین بچه این است و هنوز نقص مظهریت دارد و نمی‌تواند خودش را نشان بدهد؛ در چنین فضای قراردادی.

شاگرد: یعنی علم حضوری به خودش دارد، اما نه از جنسی که ابن‌سینا در هوای طلق می‌گوید؟

استاد: اگر ایدئال باشد، جلسه قبل تأکید کردم و گفتم همین کسی که در هوای طلق است، اگر او را بیهوش کردید، دیگر احساس «انا» را ندارد، اما علم حضوری نفس به ذات خودش از بین نرفته و در باطن رفته. لذا نفس بچه، علم حضوری به خودش دارد، اما در این پایه و در این بدن، هنوز ظهور نکرده است. ما دنبال این هستیم که مثلاً در دو سالگی چقدر از این شئونات را دارد؛ «النفس فی وحدته کل القوی»؛ می‌خواهیم ببینیم تا دوسالگی چقدر از آن قوا ظهور کرده.

شاگرد: من هم می‌خواهم همین را بگویم؛ یعنی آن را ندارد. آنچه که ابن‌سینا می‌گوید، نوزاد در بدو تولد ندارد. یک نحوه ترکیبی در آن هست.

استاد: آن معنا درست است. یعنی همان چیزی که ابن‌سینا می‌گوید کسی را در هوای طلق قرار دهید...؛ حرف شما مؤید عرض من است. اگر شما یک افقه عصر و اعلم زمان، یک دانشمند کارکشته را در هوای طلق قرار بدهید، و یک بچه بیست ساله، و یک بچه ده ساله، و یک بچه دوساله را قرار بدهید، آیا هوای طلق برای اینها برابر است یا برابر نیست؟ اگر می‌گوید «من» و اینکه «یجد نفسه» برابر هست یا نیست؟ تفاوتها از کجا است؟ بعداً با اینها کار داریم.

شاگرد۲: تقسیم اشراق‌محور و پایه‌محور، در این احساس «انا» که می‌فرمایید، می‌آید؟

استاد: بله، یعنی الآن وقتی کسی در آن رده بالا است، وقتی احساس «انا» دارد، به‌خاطر پایه اقوی، این انانیت او، قدرت اتصال و اشراق از بیرون به او و ارتباط او با بیرون، بیشتر است. یعنی در مزاج پایه بچه نمی‌تواند الآن به‌صورت درک، آن اشراق صورت بگیرد و ظرفیتش را ندارد.

---

[1] أصول المعارف ص۱۵۶

بازبینی #4
ایجاد شده 17 سپتامبر 2024 13:34:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 13:32:42 توسط ... .